

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته

یک جمع بندی کنیم نسبت به مطالب و انظاری که راجع به این جمله «يُدْنِينَ عَنْهُمْ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» بیان شده بود. عرض شد که مجموعاً در کلمات مفسرین دو معنا برای «يُدْنِينَ عَنْهُمْ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» شده است، یکی با توجه به ماده دنو معنا شده بود به اینکه جلباب را نزدیک به خودشان کنند و همین معنا نیز در کلمات برخی از بزرگان هم بود.

معنای دوم اینکه بگوییم بمعنای ارخاء و آویزان کردن و پوشاندن است.

در نهایت ما به این نتیجه رسیدیم که بالاخره اگر ما معنای دوم را هم ترجیح بدهیم به لحاظ اینکه این با حرف «علی» متعدی شده است نه با حرف «الی» اگر با «الی» بود به همان معنای نزدیک کردن جلباب به خودشان معنا پیدا می کرد، اما دارد «يُدْنِينَ عَنْهُمْ» ما باید همین معنای دوم را بگیریم. منتها چون باز ماده دنو در این جا بکار رفته است ما باید بگوییم این ادنای که متضمن ارخاء و پوشاندن است يك پوشاندن یا يك نزدیک کردنی که بپوشاندن این ارزش تعبیر به ادنی میشود.

در حقیقت این بیان ما يك جمعی بین معنای اول و دوم است ؛ یعنی آن دو معنا بدینصورت قابل جمع هستند: معنای اول که مطلق نزدیکی است، این جلباب را نزدیک کنند حدش چقدر است! اجمال پیدا می کند، يك شیء اگر بخواهد نزدیک به يك شیء دیگر بشود این مراتب دارد، يك عنوان مشكك است و می تواند مصادیق متعدد پیدا کند، دو چیز را که انسان می خواهد نزدیک بکند معنای نزدیک کردن آن، نهایت مرتبه قرب که نیست؛ چادر را يك مقداری که بیاورند روی صورتشان نزدیک می شود ادنی! اما وقتی میگوییم این متضمن معنای ارخاء است یعنی بپوشاند؛ لذا جمع بین معنای اول و دوم به همین صورت است.

و جوب ستر وجه در کلمات مفسرین نکته ی که وجود دارد این است که آیا ما از «يُدْنِينَ عَنْهُمْ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» می توانیم استفاده کنیم که تمام الوجه باید پوشانده بشود! یعنی ما باشیم و این آیه شریفه (کاری به ادله دیگر نداشته باشیم) و همین مقدار آیا ارزش استفاده می شود که همه وجه باید پوشانده بشود یا اینکه چنین استفاده نمی شود!

برخی از بزرگان مثل مرحوم شهید مطهری (رض) فرموده اند: «من ندید ه ام که احدی از فقهاء به این قسمت از آیه استدلال کرده باشند مبنی بر اینکه ستر وجه واجب است» در حالیکه اتفاقاً هم در کلمات فقهاء متعدد وارد شده است و هم در کلمات مفسرین! که برخی به همین آیه برای لزوم ستر وجه استدلال کرده اند. حالا برخی از کلمات مفسرین را من نقل می کنم در اینجا.

در تفسیر جلالین (جزء دوم) روایتی را از ابن عباس نقل می کند، قال ابن عباس « امر نساء المؤمنات ان يغطين رؤوسهن و وجوههن بالجلابيب الا عين واحدة» همه وجه را باید بپوشانند مگر يك چشم که با آن يك چشم هم بخواهند جلوی خودشان را ببینند. ابن جوزی در کتاب زاد المسیر (جلد 6 صفحه 422) در تفسیر يُدْنِينَ عَنْهُمْ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ گفته است : «يغطين رؤوسهن و

وجوهن « باید رئوس و وجوه را تماماً بپوشاند.

ابوحیان در تفسیر بحر المحيط (ج 7، صفحه 250) میگوید: «قوله تعالى يدنين شامل لجميع اجسادهن و المراد بقوله عليهن ای علی وجوههن» میگوید یدنین علیهن من جلابیبهن یعنی جلباب همه جسد زن را بپوشاند، علیهن را هم بیشتر برده روی ای علی وجوههن. بعد يك تعلیلی هم آورده است گفته لان الذی کان یبدو منه فی الجاهلیة هو الوجه - آنچه که در جاهلیت زن‌ها ازشان آشکار بوده همین وجه بوده، و با این آیه شریفه شارع می‌خواهد بفرماید که این وجه را شما بپوشانید.

و همینطور در تفسیر ابی السعود از یکی از رواة نقل می‌کند که یدنین یعنی تغطی إحدى عینیهما و جبهتها - بپوشاند هم پیشانی و هم یکی از چشم‌ها را و يك چشم را فقط باز بگذارد. نکته ی که می‌خواهم عرض کنم این است که کثیری از مفسرین از این يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ستر وجه را استفاده کرده‌اند و استفاده هم می‌شود، دیروز هم ما باقطع نظر از کلمات مفسرین گفتیم خود کلمه علیهن ظهور در همه جسد دارد، باید همه وجه پوشانده شود، منتها نه به حدی که مثل پوشیه زن باشد، در کلمه یدنین ماده دنو باید ملحوظ باشد.

این را عرض کردم در لغت عرب اگر يك معنای دیگری هم درش اشراب بشود باز يك نکته و خصوصیتی از همان ماده اول باقی می‌ماند و نتیجه این می‌شود از آیه استفاده می‌شود که ستر وجه لازم است اما به حد دنو، بعد دنو هم یعنی نهایت دنو تا می‌تواند نزدیک بکند، يك وقتی است که چادر را يك مقدار جلو می‌آورد این هم يك نوع نزدیک کردن است اما با توجه به کلمه علی و این که متضمن معنای ارشاء است این نکاتی که در کلمات مفسرین آمده که نتیجه‌اش این می‌شود که يك چشم زن پیدا باشد و کثیری از مفسرین از این يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ این معنا را استفاده کرده‌اند.

حجاب حق است یا تکلیف ؟

نکته دیگری که در اینجا وجود دارد این است که آیا این «یدنین» تکلیف است یا يك عنوان حقی است برای زنهای حره! کما اینکه بعضی‌ها این معنی را احتمال داده‌اند؛ بعضی از (غیر اهل تحقیق البته) که بگوییم آیه شریفه در مقام تکلیف نیست؛ مخصوصاً با توجه به شأن نزول آیه که زنها می‌رفتند برای مسجد، شب می‌رفتند صبح می‌رفتند جو ان‌ها متعرض اینها می‌شدند و بعد که اعتراض می‌کردند اینها می‌گفتند که ما فکر می‌کردیم اینها کنیز هستند ما نمی‌دانستیم که اینها حره هستند، و می‌گویند آیه نازل شد بر اینکه زنهای حره يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ.

البته ما در همان جلسه اولی که بحث از این آیه را شروع کردیم به این شأن نزول اشکال کردیم، حالا بر فرض که این شأن نزول درست باشد، آیا می‌توانیم بگوییم با توجهی به این شأن نزول آیه به زنهای حره می‌گوید حالا اگر می‌خواهید اذیت نشوید، اگر می‌خواهید شما را نشناسند، جوانهای فاسق شما را اذیت نکنند يك علامتی برای خودتان قرار بدهید، علامت تان این باشد که يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ و در نتیجه بگوییم این آیه شریفه طبق این بیان ازش وجوب حجاب استفاده نمی‌شود و بگوییم اصلاً مسئله وجوب حجاب با آیات مبارکه سوره نور مطرح شده است کما اینکه از جهت زمان و تاریخ نزول آن آیات سوره نور تاریخاً مؤخر از این آیات سوره احزاب است.

اینجا برخی با توجه به این نکته می‌خواهند بگویند این آیه اصلاً دلالت بر وجوب حجاب ندارد؛ و برخی از بزرگان و اعظم با توجه به آن «ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفَ» می‌خواهند چنین ادعای را داشته باشند.

ما حالا باید هر دو بیان را بررسی کنیم که آیا آیه شریفه می‌خواهد بگوید این تکلیف نیست، این برای این است که اینها شناخته نشود مورد اذیت قرار نگیرند، يك حقی برای حرائر است! و در بعضی از نقل‌ها دارد که عمر خلیفه دوم دید که امه ی بعد از نزول این آیه مقنعه سر کرده و خودش را پوشانده، او را کرد از این کار و چه بسا دارد که با او برخورد هم کرد، بگوییم که آیه اصلاً

این را می‌خواهد بگوید که وقتی می‌خواهید بروید بیرون «يُذِينَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَابِيبٍ» یدنین در مقام تکلیف نباشد، يك راهکاری را ارایه داده برای زن‌های حره.

نظر حضرت استاد در قالب چند نکته

اینجا چند نکته را باید توجه بفرمایید!

نکته اول این است که ما وقتی تاریخ را بررسی می‌کنیم اینطور نبوده که قبل از نزول آیه شریفه زن‌های حره و زن‌های امة هیچ راهی برای تشخیصشان نبوده بلکه از نظر وضع لباس یا جهات دیگر اصلاً اماء و کنیزها طوری بودند که شناخته شده بودند، هرخانه‌ای معلوم بوده که کنیز این خانه کی است، مخصوصاً با توجه به اینکه اینها می‌رفتند بیرون خرید و همه امور بیرون را اینها انجام می‌دادند، اینطور نبوده که ما بگوییم قبل از نزول آیه شریفه اصلاً هیچ راهی برای تمایز اماء از غیر اماء نبوده بلکه بوده بالاخره يك قرائن و خصوصياتی که می‌توانستند امه را از حره تشخیص بدهند.

نکته دوم: با توجه به آن اشکالاتی که ما قبلاً راجع به این شأن نزول نمودیم اگر از آن صرف نظر بکنیم آیا واقعاً عذر این فساق و جوان‌های فاسق را خداوند قبول کرده! یعنی این جوان‌ها گفته ما فکر کردیم این حره است او را مورد ناسزا گویی قرار دادیم اگر می‌دانستیم حره است این کار را نمی‌کردیم اما فکر کردیم امة هست در حالی که پیدا بود این يك بهانه‌ای است آن فساق آن زمان برایشان امه و حره فرقی نمی‌کرده و این بعنوان يك بهانه‌ای بوده.

ثالثاً: ما قبلاً گفتیم این آیه شریفه دارد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ» این نساء المؤمنین دائره را از حد شأن نزول دارد خارج می‌کند و وسیعتر می‌کند. یعنی ما بر فرض این که این شأن نزول را هم بگوییم درست است اما شارع در مقام بیان يك حکم بسیار مهم و کلی است «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ» دارد يك اعلام عمومی به همه زن‌های مؤمن می‌کند، نساء المؤمنین که دیگر اطلاقش روشن است هم حره را شامل می‌شود و هم کنیز را شامل می‌شود، بنابراین سیاق آیه و الفاظی که در آیه وجود دارد کاملاً موسع تر است از مورد شأن نزول؛ اگر این شأن نزول هم درست باشد شأن نزول که نمی‌آید مورد آیه را تقید بزند و محدود بکند به همه زن‌های مؤمنین.

قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ بگو به اینها، این در مقام يك تکلیف است اینجا چند خصوصیت وجود دارد که ما اصلاً کاملاً استفاده می‌کنیم آیه در مقام تکلیف است.

اولاً اینکه می‌فرماید به زنها و دختران بگو، این روی همان اصل اولی است که اگر يك حکمی در يك جامعه‌ای بخواهد پیاده بشود اول باید بزرگان آن جامعه رعایت کند، خدا اول نمی‌گوید به بقیه بگو حجاب داشته باشند بعداً برو سراغ زنها و دختران خودت، می‌گوید نه اول باید این دستور را به زنهای خودت بدهی، اول باید این دستور را به دختران خودت بدهی بعد به نساء المؤمنین، ما از این ترتیب این نکته را می‌توانیم استفاده کنیم که زنها و دختران پیامبر اولای به رعایت این تکلیف هستند؛ حالا اگر مسئله تکلیفی در کار نباشد چه لزومی داشت خداوند اینها را جدا جدا بیان بکند!

می‌فرمود يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّنِسَاءِ قُلِّ لِلْحَرَائِرِ اینها برای اینکه انیت نشوند يك جلباب را به خودشان ببندازند، این که فرموده قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ - بَنَاتِكَ - نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ این قرینه روشنی است که همه اینها مکلف به این تکلیف هستند. شما ببینید! اگر يك مولای يك تکلیفی را می‌خواهد متوجه کند، می‌آید می‌گوید به زید بگوید، به عمرو بگوید، به بكر بگوید این کار را انجام بدهند خود اینها قرینه است، خود تفکیک بین ازواج و بنات و نساء المؤمنین خودش يك قرینه روشنی است که در مقام تکلیف است؛ نمی‌خواهد مجرد يك راهکاری را به زنها نشان بدهد و بگوید این حق است برای زنها، این احترامی است برای زنها، این حرفهای غیر فقیهانه که متأسفانه در بعضی از کتاب‌های بنام فقه هم آمده است! وواقعاً جای تأسف دارد که انسان می‌بیند يك مقالاتی در

بعضی از مجموعه‌ها بنام فقه داده شده است اما خیلی اینها بافقاها و فقه فاصله دارند.

اولاً: در آیه خود «[قُلْ لِّزَوْجِكَ وَمَا لَكَ وَمَنْ مِّنْكُمْ](#)» این قرینه خیلی روشنی است برای اینکه در مقام تکلیف است. و ثانیاً: در قرآن گاهی اوقات یا اگر بگوییم بسیاری از اوقات در همان صدر اسلام تکالیف را اصلاً متوجه مؤمنین می‌کرده است مثل یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام، بیشتر روی این عنوان آمنوا، این آمنوا چه سختی دارد با اینکه بگوییم این یدنین فقط یک حق است؟

وقتی شارع می‌خواهد بفرماید من می‌خواهم یک تکلیفی را به شما بکنم و شما انجام بدهید، این مناسبت دارد بگوید یا ایها الذین آمنوا یعنی حالا که ایمان دارید حالا که ایمان دارید این هم یکی از تکالیف شماست و الا اگر در مقام تکلیف نباشد، اگر در مقام بیان تکلیف نیست، آوردن آمنوا یا مؤمنین چه خصوصیتی دارد؟

این که در این آیه شریفه می‌گوید نساء المؤمنین یعنی می‌خواهم یک حرفی بزنم در رابطه با ایمان اینهاست، و آن نمی‌شود غیر از اینکه ما بگوییم عنوان تکلیف را دارد. که هم قرینه اول و هم قرینه دوم انصافاً از قرائنی (در جای هم ندیده ام من که این قرائن ذکر شده باشد) بسیار مهمی است بر اینکه آیه در مقام این است که یک تکلیفی را می‌خواهد برای زنها قرار بدهد، نمی‌خواهد بگوید چون حره است یک احترام مضاعفی برایش قایل بشویم بگوییم تو حق داری جلباب بر سر کنی اما بگوییم کنیز حق ندارد جلباب بر سر بکند که آن روز عرض کردم اگر ما بخواهیم ملتزم به این بشویم که (این را در [ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ](#) هم برسیم آنجا می‌گوییم)، بگوییم چطور می‌شود اسلام بگوید زن حره به مقتضای حره بودنش احترام و شرافت دارد جلباب بر سر بکند اما کنیز را بگوییم اصلاً چون احترامی ندارد؛ همینطوری بیاید در اجتماع موجب فساد هم بشود عیبی ندارد این چیزی نیست که انسان بتواند بپذیرد! پس ببینید! ما دو قرینه ذکر کردیم برای اینکه [يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَ](#) مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ از ش تکلیف استفاده می‌شود.

کفار مکلف به فروع نیستند!

نکته‌ی دیگری که باز از همین کلمه نساء المؤمنین ما می‌توانیم استفاده کنیم (که بعداً هم بدر ما می‌خورد) استحضر دارید که در فقه نسبت به نگاه کردن به کافران، به سر آنها یا آن مقداری که از بدن آنها باز و ظاهر است اگر بدون ریه باشد فقهاء فتوا می‌دهند که مانعی ندارد، همین نگاه بدون ریه به موی یک زن مؤمنه ولو بدون ریه هم باشد حرام است اما نسبت به کافران فتوا این است که می‌گویند مانعی ندارد.

از همین کلمه «نساء المؤمنین» ما همین را استفاده می‌کنیم که این «يُذْنِبْنَ» مربوط به مؤمنات است، این «[يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ](#)» یک حکمی است مربوط به زنهای مؤمنه و شامل زنهای کافره نمی‌شود. و از همین نکته یکی از قواعد فقهی که آقایان می‌دانند در فقه مطرح می‌شود و آن این است که آیا کفار همانطوری که مکلف به اصول هستند به فروع هم مکلف هستند یا نه؟

مشهور از فقهاء از جمله والد راحل ما (رضوان الله علیه) معتقد هستند به اینکه بلی کفار همانطوری که مکلف به اصول هستند مکلف به فروع هم هستند؛ از این آیه استفاده می‌شود که نه این تکلیف به حجاب مخصوص مؤمنات است، مربوط به نساء المؤمنین است یعنی در این تکلیف پیداست اشتراکی بین زنهای مؤمنه و زنهای کافره نیست، ما در ماه مبارک رمضان گذشته در بحث قاعده الزام آنجا به یک مناسبت این مسئله اشتراک در تکلیف بین الفروع و الاصول را اشاره کردیم و به این نتیجه رسیدیم که نه مطلب مشهور مطلب درستی نیست؛ و ما نمی‌توانیم بگوییم الکفار مکلفون بالفروع کما انه مکلفون بالاصول یکی از قرائنش همین آیه شریفه حجاب است.

پس ما تا اینجا تا حدی این کلمه «[يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ](#)» را معنا کردیم البته واقعاً من هر دفعه‌ی که می‌خواهم بحث را تمام بکنم و بخواهیم برویم سراغ قسمت بعدی آیه شریفه ولی دو مرتبه که قرآن را باز می‌کنم می‌بینم نکات جدیدی به ذهن می‌آید،

انسان وقتی آیات را نگاه می‌کند و واقعاً هم از خدا استمداد می‌گیرد، می‌بیند همینطور هی نکات جدیدی را می‌تواند از این آیات شریفه استفاده بکند.

حالا اگر دیدید باز نکته‌ی دیگری در این «[يُذِنِينَ عَلَيْهِنَّ](#)» بود به ما هم بفرمایید! فردا که درس تعطیل است روز سه شنبه راجع به این «[ذَلِكَ أَذُنِي أَنْ يُعْرِفَنَ](#)» که آیا علت است، آیا حکمت است و متعلق یعرفن چیست! ان شاء الله بحث می‌کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.